

## **Imami Shiites as a Lever of Political Balance in Kuwait<sup>1</sup>**

**Morteza Agha Mohammadi\***

**Mohammad Masjed Jamei\*\*, Seyyed Abolhasan Nawwab\*\*\***

(Received on: 2021-07-09; Accepted on: 2021-11-11)

### **Abstract**

Kuwait is an exceptional country among the sheikhdoms, and its Twelver Shiites have a special situation compared to the Shiites of the neighboring countries. The present study, based on the theory of weak government and also using a descriptive-analytical method, examines the unique position of Shiites in the equations of the ruling family to maintain its power. The main question of this research is: What effect does the presence of Shiites in Kuwait have on the survival of the Al-Sabah dynasty? Given this question, the research hypothesis is that the Shiites, especially after 1990, played the role of a lever of balance, and if they were not present in Kuwait, the Al-Sabah dynasty would face serious crises to maintain its survival in the face of internal dissidents and foreign enemies. The results of the study show that the rulers of Kuwait, sometimes approaching the Shiites and sometimes expressing hostility towards them, abuse the country's social classifications and reduce the tension between the opposition forces and their own government by creating a confrontation between the Shiites and other social groups. In this way, they have been able to overcome great crises, although they lose the integrity of society. This study helps to understand the situation of the Shiites in Kuwait and to take an appropriate approach to them and the government.

**Keywords:** Shiites, Imamiyyah, Kuwait, Al-Sabah, Political Stability, Balance Lever.

---

1. This article is taken from: Morteza Agha Mohammadi, "Shiites of Kuwait and Their Balancing Role in the Country (With Emphasis on the Period 1990-2017)", 2018, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Masjed Jamei, Faculty of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* PhD Student in Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom; Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), m\_ghamohammadi@miu.ac.ir.

\*\* Assistant Professor of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, jamei@urd.ac.ir.

\*\*\* Associate Professor, Department of Jurisprudential Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, navvab@urd.ac.ir.

## شیعیان امامیه به مثابه اهرم تعادل سیاسی در کویت<sup>۱</sup>

مرتضی آقامحمدی\*

محمد مسجدجامعی\*\*، سید ابوالحسن نواب\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰]

### چکیده

کویت کشوری استثنایی در میان شیخ‌نشین‌ها است و شیعیان اثناعشری‌اش نیز در مقایسه با شیعیان دیگر همسایگان اوضاع و احوال ویژه‌ای دارند. پژوهش حاضر بر مبنای نظریه دولت ضعیف و همچنین با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، جایگاه منحصر به فرد شیعیان را در معادلات خاندان حاکم برای حفظ قدرت بررسی می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش این است که: حضور شیعیان در کویت، چه تأثیری در بقای خاندان آل صباح دارد؟ با توجه به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که شیعیان، به‌خصوص پس از سال ۱۹۹۰، نقش اهرم تعادل را دارند و اگر آنها در کویت حضور نداشتند، خاندان آل صباح برای حفظ بقایش در مقابل معارضان داخلی و دشمنان خارجی با بحران‌های جدی مواجه می‌شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حاکمان کویت با هوشمندی تمام، گاه با نزدیک شدن به شیعه و گاه با اظهار خصومت با آنها، از دسته‌بندی‌های اجتماعی کشور بهره می‌گیرند و با ایجاد تقابل بین آنها و سایر بخش‌های جامعه تنش نیروهای معارض با حکومت را کاهش می‌دهند. با این روش آنها توانسته‌اند بحران‌های بزرگی را از سر بگذرانند، گرچه یکپارچگی جامعه را از دست می‌دهند. این پژوهش به درک موقعیت شیعیان در کویت، و اتخاذ رویکرد مناسب در قبال حکومت و شیعیانش کمک می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** شیعیان، امامیه، کویت، آل صباح، ثبات سیاسی، اهرم تعادل.

۱. برگرفته از: مرتضی آقامحمدی، شیعیان کویت و نقش تعادل‌بخشی آنها به کشور (با تأکید بر بازه ۱۹۹۰-۲۰۱۷)، رساله دکتری، استاد راهنما: محمد مسجدجامعی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۷.

\* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم؛ استادیار گروه مطالعات اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) [m\\_ghamohammadi@miu.ac.ir](mailto:m_ghamohammadi@miu.ac.ir)

\*\* استادیار شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [jamei@urd.ac.ir](mailto:jamei@urd.ac.ir)

\*\*\* دانشیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران [navvab@urd.ac.ir](mailto:navvab@urd.ac.ir)

## مقدمه

کویت با مساحتی بیش از ۱۷۸۲۰ کیلومتر مربع (Gall, 1999: 333) کشوری است کوچک، اما موقعیت راهبردی و نیز منابع سرشار نفت و گازش اهمیت ویژه‌ای دارد. کویت از لحاظ نحوه شکل‌گیری، ساختار جامعه، تجربه تاریخی و نوع نظام حاکم، کشوری استثنایی در میان شیخ‌نشین‌ها است. به تبع آن، موقعیت شیعیان کویت هم با شیعیان دیگر کشورها متفاوت است. نکته مهم این است که شیعیان، هم از لحاظ تعداد و هم حضور تاریخی و ایفای نقش در شکل‌گیری تاریخ کویت، جایگاه ویژه‌ای دارند و بخشی از هویت اصلی کویت محسوب می‌شوند و بدون شناخت درست از ساختار و ماهیت جامعه کویت نمی‌توان موقعیت شیعیان کویت را شناخت.

در آثار مربوط به شیعیان کویت غالباً درباره معرفی سازمان‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، دیوانیه‌ها یا حضور برخی شخصیت‌های شیعه در پارلمان کویت و مسائلی از این قبیل بحث شده است. مشکل دیگر، در محدودیت و قدیمی بودن منابعی است که از آن استفاده کرده‌اند (نک: چلونگر و بندانی، ۱۳۹۲؛ منتظرالقائم و بندانی، ۱۳۹۲). از این رو، بیان ویژگی‌های خاص جامعه و حکومت کویت، توجه به منحصر به فرد بودن جایگاه شیعیان کویت در شکل‌گیری تاریخی این کشور و مناسبات معاصرش، و معرفی شیعه به عنوان بخشی اصیل از بدنه جامعه کویت و بیان اهمیت و نقش شیعه در ایجاد تعادل و ثبات در کشور، و نیز تبیین نحوه استفاده هوشمندانه حکومت از این ظرفیت شیعه از نوآوری‌های این مقاله است.

مفهوم «تعادل» را که در اینجا مد نظر است، می‌توان در قالب نظریه سیستم‌ها تبیین کرد. نظام حاکم کویت به منزله سیستم است و اجزای متقابلش عبارت‌اند از بخش‌های گوناگون جامعه که به جهات مختلف می‌توان تصورشان کرد و هر کدام از آنها ویژگی‌ها، نقش و تأثیر اجتماعی خاص خود را دارند، مثل شیعه (اعم از خط امامی، طیف شیرازی، شیعه عرب، شیعه عجم، لیبرال و ...)، سنی (اعم از سنتی، لیبرال، اخوانی، سلفی)، بدو، بدون، شهری، مهاجر، شهروند درجه یک، شهروند درجه دو. کلیت این

اجزا در درون یک سازمان به عنوان جامعه کویت در نظر گرفته می‌شود که ویژگی‌های جمعیتی، جغرافیایی و محیطی مختص به خود را دارد. این بخش‌های مختلف در تعامل و رفتار متقابل، هم بر سیستم (حاکمیت) اثر می‌گذارند و هم از آن اثر می‌پذیرند. در تحلیل این سیستم، باید اجزا و بخش‌های مختلف تشکیل‌دهنده جامعه کویت، رابطه آنها با یکدیگر و نیز با حاکمیت و همسایگان‌شان، طبقه‌بندی این بخش‌ها و متغیرهای مؤثر بر روابط متقابل را شناخت؛ به خصوص توجه به لزوم وجود تنوع جمعیتی و تلاش برای برقراری تعادل با روش ایجاد اختلاف و شکاف در بین بخش‌های مختلف ضروری است. به ادعای این پژوهش، این دقیقاً همان کاری است که خاندان حاکم در کویت انجام می‌دهد و ثبات اجتماعی‌اش را با درگیرکردن بخش‌های مختلف جامعه، به خصوص اهل سنت و شیعه، و بازی با این دو مهره برقرار، و برون‌دادهای خود را بر این اساس تنظیم می‌کند. در این راستا، گاه برای کاستن از فشار تقاضاهای اهل سنت و جریان‌های قومی عربی، به سمت شیعه می‌رود، گاه برای رهایی از فشار اسلام‌گرایان سیاسی اعم از اخوانی و سلفی، به سوی شیعیان یا لیبرال‌ها متمایل می‌شود، گاه در مقابل مطالبات شیعیان، به سلفی‌ها امتیاز می‌دهد و گاه با اعطای امتیازات ویژه به طبقه شهری، بدویان را منزوی می‌کند. در این میان، شیعیان از بخش‌های مهم و حیاتی برای برقراری ثبات در کویت هستند و اگر آنها در کویت حضور نداشتند، به احتمال بسیار، خاندان حاکم به دست گروه‌های معارض سقوط می‌کرد. برای درک این مطلب شناخت ویژگی‌های خاص خاندان حاکم و کویت، که با دیگر شیخ‌نشین‌ها متفاوت است، ضروری است.

در زمان اشغال کویت در ۱۹۹۰ حاکمان کویت و بستگان‌شان از همان آغاز حمله عراق، به عربستان گریختند. معارضان که حال صحنه‌گردان امور جاری و در دفاع از کشور بودند، به منظور اقدام برای تغییر ساختار سیاسی بهترین فرصت را در اختیار داشتند، اما ترجیح دادند که حاکم بازگردد، ولی به آنها هم آزادی بیشتری عطا کند. طبیعی بود که در چنین فضایی، از اقتدار حاکمیت کاسته شده بود و بیشتر از گذشته باید با معارضان مدارا (المدیرس، ۱۹۹۹: ۳۹) و با بهره‌گیری از شکاف‌های موجود،

موقعیتش را تثبیت کند. به همین دلیل، اهمیت حضور شیعه از این زمان به بعد بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، اهمیت حضور شیعه از این زمان، به دلیل اوضاع و احوالی است که برای خاندان حاکم پیش آمد، و لزوماً به معنای اقدامات خاصی نیست که شیعیان انجام داده باشند. اهمیت این پژوهش در این است که نشان می‌دهد حکومت کویت تا چه حدی به حضور شیعیانش نیازمند است و اگر آنها نباشند، این کشور به ورطه مشکلات فراوانی خواهد افتاد.

باید تذکر دهیم که نقش شیعیان بیش از آنکه مربوط به اقداماتشان باشد، ناشی از صرف حضور آنها است، یعنی در ساختار خاص جامعه کویت، حضور عنصر شیعی موهبتی برای خاندان حاکم است. پس معنای سخن آن نیست که شیعیان کویت اهرمی در اختیار آل‌صباح و مزدورانشان برای تضمین بقای حکومت خاندان حاکم هستند، بلکه نکته این است که حضور شیعیان را چنین تأثیری است. به عبارت دیگر، گاه کسی یا گروهی بر اساس آنچه انجام می‌دهد تأثیرگذار می‌شود و گاه صرف حضور آن شخص یا گروه اثر خاصی دارد، بدون اینکه آنها الزاماً کاری در آن موضوع انجام دهند یا حتی خود از موقعیت و تأثیرشان آگاه باشند. نقش شیعیان در کویت از نوع دوم است. این حضور شیعه است که کمک می‌کند حاکمان برای بقایشان بتوانند با بخش‌های متنوع جامعه بازی کنند، گرچه در برخی برهه‌ها هم شیعیان عملاً به کمک خاندان حاکم آمده‌اند. بنابراین، با توجه به دیگر مسائل موجود در این کشور، بیشتر تأثیر شیعیان به دلیل حضورشان در کویت است، نه الزاماً به دلیل کارهایی که انجام داده‌اند. به همین دلیل، برای درک این مسئله، بیش از آنکه درباره اقدامات شیعیان برای ایجاد ثبات سیاسی بحث شود، باید ویژگی‌ها و دیگر بخش‌های تأثیرگذار در جامعه کویت را شناخت.

حاصل این پژوهش می‌تواند به درک درست خواننده از موقعیت شیعه کویت کمک کند و در خدمت مراکز سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی درباره شیعیان و کشور کویت قرار گیرد. دو مطلب وجود دارد که درک این نکته ظریف را دشوار می‌کند؛ یکی اینکه حاکمان کویت به وجود چنین سیاستی تصریح نمی‌کنند و داعیه بر اختفایش دارند، و

دیگر اینکه، این نقش چندان به فعالیت خاصی که شیعه انجام می‌دهد مربوط نیست، بلکه این ویژگیِ نفس حضور آنها و نحوه بهره‌گیری حاکمان از حضور شیعه است. بنا بر آنچه بیان شد، برای درک جایگاه شیعه در کویت باید ویژگی‌های منحصر به فرد کشور کویت و خاندان حاکم را بررسی کنیم.

## ۱. شکل‌گیری متفاوت کویت

«کویت» از «کوت» به معنای حصن و قلعه است و «کویت» به معنای کوت و قلعه کوچک است (یوسف جمال، ۲۰۰۵: ۲۴). تا قرن هجده کویت محل عبور و مرور بود و ساکنانی نداشت (Ember & Ember, 2001: 1229) تا اینکه قبایل مختلفی از نجد به آنجا مهاجرت کردند. مهاجرت این قبایل به شکل‌گیری قبیله‌ای جدید به نام بنی‌عتب انجامید. بنی‌عتب به دنبال آب به سمت جنوب خلیج فارس مهاجرت کردند، تا اینکه نهایتاً در منطقه کویت ساکن شدند (Crystal, 1990: 18). این سرزمین ابتدا تحت سلطه قبیله قدرتمند بنی‌خالد بود، گرچه خودشان در آن سکنا نداشتند (Alhabib, 2010: 47). بنی‌خالد اهل صلح و میهمان‌نواز بودند و به بنی‌عتب اجازه دادند در آنجا اقامت کنند. حمایت بنی‌خالد از بنی‌عتب به سرعت این منطقه را به شهری تجاری تبدیل کرد (الحاتم، ۱۹۸۰: ۱۱). قدرت گرفتن وهابیت و اختلافات درونی بنی‌خالد سبب تضعیف سلطه بنی‌خالد شد و در نتیجه به خودمختاری بسیاری از قبایل تحت سلطه آنها، از جمله ساکنان کویت، انجامید (ابوحاکمه، ۱۹۸۴: ۲۶-۲۷). بنابراین، برخلاف دیگر شیخ‌نشین‌ها که با حمله نظامی و جنگ و خونریزی تشکیل شده‌اند، بنای کشور کویت مسالمت‌آمیز بود.

## ۲. حاکمانی متفاوت

مهاجران به کویت باید امیری برمی‌گزیدند تا از آنها محافظت کند. بنابراین، شیخ صباح اول در ۱۷۱۸ انتخاب شد. نکته مهم این است که امیر با مشورت و نوعی دموکراسی به امارت می‌رسد، نه با قهر و غلبه. علت انتخاب آل‌صباح به امارت نیز قدرت جنگندگی یا بیم مردم از آنها نبود، بلکه مهم‌ترین ویژگی آنها قدرت مذاکره و دیپلماسی‌شان بود.

(Behbehani, 2012: 162). اعتبار شیخ به این بود که بین مردم به عدالت رفتار کند و آنها را از خطرهای خارجی محافظت کند و مردم هم به آل‌صباح اجازه دادند تا وقتی به این مسئولیت پای‌بند باشند رهبریشان را در دست گیرند. شیخ همواره با سران قبایل بدوی، نخبگان و تجار درباره آنچه به صلاح و موجب رفاه مردم بود، مشورت می‌کرد و هیچ‌گاه تصمیمات مهم را خودسرانه نمی‌گرفت. حکومت‌هایی مثل بحرین یا سعودی با غلبه نظامی بر قلمرو خود مسلط شدند، اما خاندان آل‌صباح از همان ابتدا از طرف مردم به امارت برگزیده شدند و این در فضای سیاسی باز و اهل مدارا بودن حاکمان این کشور دخیل است (Herb, 2016). گرچه بعدها و پس از تحولات سیاسی اقتصادی، به‌خصوص با کشف نفت و بی‌نیاز شدن خاندان حاکم از تجار، پیدایش جریان‌های قومی و عربی که با شیعیان و ایرانی‌ها تقابل داشتند، انقلاب اسلامی ایران و ترس از نفوذ آن در کویت، به قدرت رسیدن جریان سلفی معارض شیعه و ایران در چند دهه اخیر، خاندان حاکم در رفتارشان با شیعیان تسامح سابق را نداشته است، اما سخن در ماهیت کلی این خاندان در مقابل مردم است، نه فقط در مواجهه با شیعیان. همچنین، این تفاوت را از طریق مقایسه آنها با دیگر شیخ‌نشین‌ها بهتر می‌توان درک کرد.

### ۳. ساختار سیاسی

کویت از ابتدای تأسیس، کشوری مبتنی بر نوعی دموکراسی و مشاوره بوده و فعال‌ترین حیات سیاسی را داشته است. کویت حتی قبل از استقلالش، پارلمان را تجربه کرده است، پارلمانی که گروه‌های سیاسی مختلف صراحتاً ابراز عقیده می‌کنند. قانون اساسی کویت به مردم اختیار می‌دهد قدرتشان را از طریق مجلس امت که نقش قانون‌گذاری دارد به اجرا بگذارند. مجلس ملی ۵۰ عضو دارد که از گروه‌های مختلف‌اند. مجلس وظیفه قانون‌گذاری را در اختیار دارد و در نهایت قوانین باید به تأیید امیر برسد. دستورهای امیر نیز ابتدا به مجلس می‌رود و اگر مجلس آنها را تأیید نکرد آن دستورها وجهه قانونی نخواهد داشت. امیر عزل و نصب نخست‌وزیر را که رئیس کابینه است نیز به عهده دارد. نخست‌وزیر مسئولیت‌گزینش اعضای کابینه را در اختیار دارد و این اعضا

وزرای او هستند. کابینه دولت متشکل از چند نفر از خاندان سلطنتی و چند نفر از غیر آنها از کسانی است که همسوی سیاست‌های خاندان حاکم‌اند. وزرای کابینه نیز جزء اعضای مجلس به شمار می‌آیند و مجموع اعضای مجلس را به ۶۵ نفر افزایش می‌دهند (The Constitution of the State of Kuwait).

#### ۴. همسایگان خطرناک

کویت در بین سه کشور عراق، عربستان و ایران واقع شده که همین کارش را دشوار می‌کند، چراکه از لحاظ جمعیت، عمق جغرافیایی، عقبه تاریخی و تمدنی در مقابل آنها چیزی به حساب نمی‌آید و ایجاد توازن طبیعی برای این کشور در میان همسایگانش بسیار دشوار است (یوسف جمال، ۲۰۰۵: ۲۰).<sup>۱</sup> در قرن هجده کویت برای حفظ خودمختاری به حفظ رابطه خوب با عثمانی نیاز داشت. از این‌رو، در ۱۸۷۱ خود را تحت‌الحمایه عثمانی درآورد و شیخ کویت قائم‌مقام حاکم ترک بصره در کویت شد (آقامحمدی، ۱۴۰۰: ۱۷). همین مطلب سبب شد بعدها عراق ادعای مالکیت کویت را داشته باشد و در برهه‌های مختلف الحاق کویت به خاک خود را مطالبه کند. ویژگی‌هایی همچون ساحلی طولانی در مجاورت خلیج فارس و ثروت نفتی انبوه، همواره برای عراق وسوسه‌کننده بوده است (Terrill, 2007: 10).

عربستان نیز در گذشته چشم طمع به کویت داشت و در برهه‌های مختلف در صدد تصرف خاک این کشور بود و چند جنگ بین آنها درگرفت که جنگ الصریف (۱۹۰۰) و نبرد جهراء (۱۹۲۰) مهم‌ترین آنها است (نک: ابوحاکمه، ۱۹۸۴؛ خزعل، ۱۹۶۲). ملک عبدالعزیز در بازه ۱۹۲۳-۱۹۳۷ به دلیل سرپیچی از پرداخت مالیات، کویت را تحریم اقتصادی کرد و در تنگنا قرار داد (Behbehani, 2012: 167). این دو کشور مناقشات ارضی وسیعی داشتند. افزون بر آن، عربستان با مهاجرت دادن جمعیت چشمگیری از وهابی‌های بیابانگردش به کویت، زمینه اعمال نفوذ خود در این کشور را بیش از پیش افزایش داد.

گرچه ایران در صدد تعدی و تجاوز به کویت برنیامد، همواره تبلیغات قومی عربی‌ها در اواسط قرن قبل بر ایران‌هراسی تمرکز داشت و چنین تبلیغ می‌شد که شاه ایران در



پی تسلط بر منطقه و احیای امپراتوری ایرانی و از بین بردن عروبت شیخ‌نشینان است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم تلاش‌های ایران برای اثبات حسن نیتش در برهه‌های مختلف، همچنان ایران به عنوان تهدیدی جدی و حتی بزرگ‌تر از قبل برای جهان عرب معرفی شد. تهدیدهای موجود باعث شد حکام کویت در پی کسب حمایت و رضایت قلبی شهروندانشان باشند تا آنها در مواقع نیاز از حکومت حمایت کنند (AlShayehji, 1988).

بنا بر آنچه گذشت، کویت هم از لحاظ شکل‌گیری و هم ویژگی‌های حاکمانش و هم به دلیل تهدیدهایی که برای این کشور وجود داشت، از دیگر شیخ‌نشین‌ها متمایز است و به دلیل وجود این خصوصیات، از ابتدای تأسیس، کشوری مبتنی بر نوعی دموکراسی و مشاوره بوده و هست. در کویت بیش از هر کشور دیگری از شیخ‌نشین‌ها، افکار عمومی مهم شمرده می‌شود و به همین دلیل کویت فعال‌ترین حیات سیاسی را دارد (Pollock, 2015). این مطلب در کنار نکات مثبتش، برای جامعه شکننده‌ای مثل کویت دشواری‌هایی به همراه دارد و حفظ ثبات و تعادل جامعه را به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌کند.

## ۵. گروه‌های اجتماعی

در دهه‌های اخیر، جامعه کویت ترکیب جدیدی پیدا کرده که از سویی برای سلطه حاکمان مشکل‌ساز است و از سوی دیگر، به خاندان حاکم کمک می‌کند از شکاف بین گروه‌های مختلف برای حفظ خود بهره‌گیرد. در ادامه به مهم‌ترین دسته‌بندی‌های موجود اشاره خواهیم کرد.

### ۵.۱. «بدو»ها

در جامعه کویت دو مسئله اصلی و در خور توجه در اختلافات اجتماعی وجود دارد: تقسیم مذهبی بین سنی‌ها و شیعیان، و دیگری تقسیمات شهری (حضر) و بدو (اهل بادیه) که اصالتاً از «بدون»ها هستند. «بدون» به معنای شخص بی‌شناسنامه و بدون هویت است.

بدون‌ها دو دسته‌اند؛ دسته اول قبایل مهاجر عراقی‌اند که هنوز هم موفق به دریافت تابعیت کویتی نشده‌اند. دسته دوم، بدون‌های سعودی بودند که برای تغییر ساختار جمعیتی کویت، از عربستان وارد این کشور شدند. ابتدا، خاندان آل‌صباح این قبایل را تحت حمایتشان قرار دادند تا بنا بر طبع سنتی خود، در مقابل طبقه شهری (حضر)، جریان‌های قومی، لیبرال و شیعه حامیان خاندان حاکم باشند (Behbehani, 2012: 191). پس از استقلال کویت، بدون‌های وهابی سعودی تابعیت کویت را دریافت کردند و چون در اطراف شهرها ساکن شدند با عنوان «بدو» شناخته می‌شوند (Ghabra, 2014: 3). این سیاست در دهه ۶۰ و ۷۰ جواب داد، اما از دهه ۱۹۸۰ مشکلات این سیاست نمایان شد. این قبایل در حواشی شهر کویت سکنا گزیدند و با جامعه شهری آمیخته شدند و از حیث تحصیلات و تخصص رشد کردند و بسیاری از آنها استادان مطرح دانشگاهی، مهندس، پزشک، وکیل و تاجر شدند. امروزه تخمین زده می‌شود که این قبایل در حدود ۶۰ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. نارضایتی آنها از موقعیت اجتماعیشان سبب شد به دنبال نمایندگانی برای اظهار مطالباتشان باشند. همین امر راه را برای افراط‌گرایان در این قبایل باز کرد. از اواخر دهه ۱۹۹۰ این قبایل به بخش اصلی معارضان حاکمیت تبدیل شده‌اند (Tétreault & Others, 2011). مسلم البراک از شخصیت‌های برجسته این گروه در اکتبر ۲۰۱۲ سخنرانی تندی علیه حاکم داشت که آغازگر اعتراض‌های گسترده‌ای شد. او برای اولین بار در تاریخ کویت با لحنی تند مستقیماً امیر کویت را خطاب قرار داد و گفت: «ما به تو اجازه نمی‌دهیم که به اسم مردم و به نام آنها هر طور که دلت خواست حکومت کنی» (البراک، ۲۰۱۲). در چنین فضایی، حکومت مجبور بود به سوی طبقه شهری و لیبرال و نیز شیعیان بازگردد.

## ۵.۲. تجار

در زمان تأسیس کویت تجار در کنار خاندان حاکم، این کشور را تشکیل دادند. در آن زمان که بیشتر اقتصاد مبتنی بر تجارت دریایی بود، تجار بیش از خاندان حاکم ثروت داشتند و حکومت از لحاظ مالی به آنها متکی بود. از این‌رو، در گذشته تجار نفوذ

سیاسی بسیار داشتند (Crystal, 1989: 427). وابستگی اقتصادی امیر به تجار اقتضا می‌کرد که در امور سیاسی و نحوه اداره کشور با آنها مشورت کند و امیر نمی‌توانست تصمیمات مستبدانه‌ای اتخاذ کند. کشف نفت در دهه ۱۹۵۰ سبب شد کفه ترازوی سیاست، به نفع حکومت سنگینی کرده، رابطه اقتصادی حاکم و تجار را وارونه کند. در اوضاع و احوال جدید، تجار نفوذ سابق را نداشتند و باید برای بازیابی جایگاهشان شیوه‌ای نو اتخاذ می‌کردند. بیدن منظور مجموعه‌ای از راهبردها مانند رسانه‌ها و اتاق‌های بازرگانی را به خدمت گرفتند و در درون لیبرال‌ها به عنوان گروه اپوزیسیون قدیمی رخنه کردند. آنها همواره با استفاده از لابی‌هایشان در فرآیند اجرای تصمیمات و سیاست‌های دولت اعمال نفوذ می‌کنند، به طوری که دولت احساس می‌کند مخالفت با آنها مستلزم هزینه‌های سنگین خواهد بود (Al-Shehabi, 2015: 30). تجار گروهی متجانس نیستند و اقدامات متنوع سیاسی را از خود به نمایش گذاشته‌اند.

### ۳.۵. لیبرال‌ها

لیبرال‌ها اپوزیسیون قدیمی کویت هستند که بخش مهمی از آنها از تجارند. با وجود اینکه کویت کشوری نسبتاً آزاد است، لیبرال‌ها به این حد از آزادی رضایت ندارند و خواهان دموکراسی به معنای واقعی، و دخالت مردم در انتخابات تعیین دولت و دیگر امور حکومتی‌اند. آنها با دخالت دادن شریعت در قانون، که خواسته گروه‌های اخوان‌المسلمین و سلفی است، مخالف‌اند. با اینکه در برخی مواضع مانند مطالبه تغییر نخست‌وزیر در سال ۲۰۰۸ با اپوزیسیون اسلام‌گرا همراه شدند، اما غالباً از آنها بیمناک‌اند و گاه برای جلوگیری از تقویت اسلام‌گرایان از مواضعشان کوتاه می‌آیند و جانب حکومت را می‌گیرند (Tétreault & al-Ghanim, 2009).

### ۴.۵. سلفی‌ها

پیدایش سلفی‌گری در کویت به اوایل ۱۹۲۰ بازمی‌گردد. ابتدا، تمرکز سلفی‌ها بر مبارزه با بدعت‌ها و خرافات بود و از ورود به سیاست اجتناب می‌کردند (الدمهوری، ۲۰۰۹). فعالیت سلفی‌ها در ابتدا در منازل، مساجد و دیوانیه‌ها بود تا اینکه از دهه ۱۹۷۰ با

اهتمام بیشتر پای در عرصه سیاسی گذاشتند و تعدادی از اعضایشان به مجلس راه یافتند (الزیدی، ۲۰۰۰: ۲۶۱). آمدن بدوی‌های سعودی به کویت نیز موجب تقویت و گسترش فکر سلفی‌وهابی شد. این مهاجرت گروهی بر اساس سیاست اتخاذشده حاکمان کویت برای افزایش جمعیت، و نیز تأمین نیروی کار معتمد بود و به گفته شفیق غربا، استاد شناخته‌شده علوم سیاسی کویتی، برای این منظور قبایل بدوی سلفی گزینه مناسبی به نظر می‌رسیدند (Ghabra, 1997). پیش‌تر از افزایش نفوذ و قدرت بدوها سخن گفتیم. باید دقت شود که این قبایل که بیشتر اصالت سعودی دارند، از لحاظ مذهبی نیز گرایش سلفی دارند. در زمان اشغال کویت، اکثر سلفی‌های کویت به عربستان سعودی گریختند، و در آنجا به شبکه‌های سلفی سعودی پیوستند و به‌شدت از افکار القاعده عربستان متأثر شدند. به همین دلیل، آنها پس از بازگشت به کویت افراطی‌تر از گذشته بودند (آقامحمدی، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۹). در کل، با توجه به شاخص‌های سیاسی فعلی و واقعیات فرهنگی و اجتماعی کویت، انتظار می‌رود حضور و وزن جنبش سلفی در کویت افزایش یابد، زیرا سلفیت برجسته‌ترین شاخه جنبش اسلام سیاسی سنی در این کشور است (بدری عید، ۲۰۱۲ ب).

سلفی‌ها خواستار اصلاح نظام سیاسی کویت هستند تا مشارکت سیاسی بیشتری را، به‌ویژه در انتصاب وزیران دولت و استفاده از شریعت به عنوان یگانه منبع قانون‌گذاری، به دست آورند. این جنبش از منتقدان حکومت است و به طور فزاینده‌ای چهره‌های قبیله‌ای جدید (بدو) بر آن مسلط می‌شود. جریان سلفی در تظاهرات متعدد سال‌های اولیه دهه ۲۰۰۰ و نیز ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ نقش فعالی داشت. در همان برهه، ترکیب پارلمان ۲۰۱۲، از قدرت گرفتن جریان اسلام‌گرایان سنی حکایت داشت که مجموع افراد مستقل خط فکری سلفی و وابستگان حزبی‌اش ۲۳ کرسی مجلس شورا (تقریباً نیمی از تعداد انتخابی کل مجلس) را اشغال کردند (همو، ۲۰۱۲ الف). آنها از پارلمان کویت درخواست کردند نخست‌وزیر را به دلیل اعزام‌نکردن نیروهای نظامی برای پیوستن به ائتلاف نیروهای سپر شبه‌جزیره که در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ وارد بحرین شدند، بازخواست کند (Behbehani, 2012: 302). دولت کویت از اعزام نیروی نظامی سر باز زد. گفته شد علت

این مطلب، سرپیچی نیروهای شیعه در ارتش کویت برای پیوستن به سرکوب مردم بحرین است. حکومت کویت که مایل نبود در سرکوب خیابانی مردم بحرین دخالت کند، با انداختن مسئولیت بر عهده شیعیان، به اعزام نیروهای دریایی اش بسنده کرد که امکان به کارگیری آنها در سرکوب‌های خیابانی وجود نداشت. از سویی، طیف سلفی به شدت به دلیل ارسال نکردن نیروی نظامی به بحرین از دولت انتقاد می‌کرد و از سوی دیگر، نمایندگان شیعه از وزیر خارجه می‌پرسیدند که چرا کویت نیروهای دریایی اش را برای دخالت در بحرین ارسال کرده است (Katzman, 2014). این اعتراض‌های دوجانبه حاکمیت را در اتخاذ راه وسط یاری می‌رساند و تمکین نکردن مطلق به خواسته یک طرف را موجه می‌کرد. این ماجرا نمونه‌ای دیگر از کارکرد شیعه در سیاست حاکمان کویت است.<sup>۲</sup>

## ۵.۵. اخوان المسلمین

اخوان المسلمین کویت در سال ۱۹۵۱ فعال شد. اخوان در سه دهه اول، مانند همتایانش در سایر کشورهای عربی، بیشتر بر فرهنگ و مسائل مذهبی متمرکز بود و به همین دلیل، به شدت علیه جریان چپ و جنبش‌های ملی‌گرایانه که بیش از حد سکولار به نظر می‌رسیدند، ایستاد. آنها در خلال دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ حامی سیاست‌های خاندان حاکم بودند و همین سبب رشدشان شد، ولی به تدریج با حکومت تنش پیدا کردند. این تنش‌ها ادامه داشت تا اینکه اشغال کویت در ۱۹۹۰ و تشکیل گروه‌های مقاومت به همت اخوان به آنها کمک کرد تا به موقعیت برتری دست یابند (Brown, 2007: 7). آنها حامی آزادی سیاسی‌اند، اما مسئله فرهنگ همچنان خط قرمزشان است. در تظاهرات گسترده سال ۲۰۰۶ که تظاهرکنندگان خواهان تغییر ساختار انتخابات بودند، اخوان به عنوان سازمان‌یافته‌ترین بلوک سیاسی نقشی راهبردی ایفا کرد. سازمان اخوان از ارکان مهم اپوزیسیون در تحولات بهار عربی بود. در سه دهه اخیر که هم‌پیمانان سنتی مانند بدون‌ها، سلفی‌ها و اخوان المسلمین به جریان اپوزیسیون پیوستند، حکومت کویت به طور فعال در صدد مشارکت دادن شهروندان شیعه است (Hatem & Gildea, 2011: 20).

## ۵.۶. شیعه کویت

شیعیان جمعیت در خور توجهی دارند که تا قبل از آمدن بدون‌ها تقریباً نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص می‌دادند و امروزه حداقل ۳۵ درصد جمعیت کویت را تشکیل می‌دهند (Alhabib, 2010: 46). آنها از دیرباز به عنوان بخش اصلی از جامعه کویت حضور داشته‌اند و به توسعه اقتصادی، اجتماعی، نظامی و آموزشی کویت کمک بسیار کردند (نک: یوسف جمال، ۲۰۰۵). شیعیان کویت از لحاظ نژاد و قومیت به عرب و عجم، که ایرانی هستند، تقسیم می‌شوند. در گذشته، کمتر به جنبه مذهبی افراد در کویت نگریسته می‌شد. ایرانی‌ها و نیز شیعیان به عنوان شهروند کویت و بخشی فعال و مثبت در جامعه کویت زندگی می‌کردند تا اینکه در اواسط قرن گذشته با قدرت گرفتن حرکت قومی عربی برخی حساسیت‌ها در قبالتشان به وجود آمد (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۰). مواضع قومی‌ها که دشمن عجم‌ها بودند همه شیعیان کویت را تحت تأثیر قرار داد و به انزوای سیاسی اجتماعی شیعه انجامید. نظام حاکم کویت نیز از این وضع برای مصالح سیاسی‌اش بهره برد و شیعه را برای ضربه زدن به معارضان سیاسی به خدمت گرفت. مثلاً مجلس قانون‌گذاری در سال ۱۹۳۸ در صدد بود ثروت نفتی را از دست حاکم خارج کند و در اختیار مجلس قرار دهد. در نتیجه، خاندان حاکم با پشتوانه مردمی شیعیان و دیگر بخش‌های سنتی هوادار خود این مجلس<sup>۳</sup> را منحل کرد (الحاتم، ۱۹۸۰: ۵۹). از زمان استقلال کویت در ۱۹۶۱، شیعیان حامیان اصلی خاندان حاکم بودند. در مقابل، حکومت هم شیعیان را در مشاغل دولتی راه می‌داد. برخی خاندان‌های شیعی ارتباط نزدیکی با خاندان حاکم داشتند و به تجار بسیار ثروتمندی تبدیل شدند (Yom, 2011: 225). حکومت در قبال وفاداری شیعیان به خاندان حاکم، به آنها تضمین حمایت در برابر هجمه اهل سنت را می‌داد. بنابراین، فاصله‌گذاری بین شیعه و سنی مصالح حاکمیت را بیشتر تأمین می‌کرد، تا ایجاد وحدت اجتماعی.

پس از انقلاب اسلامی ایران، شیوخ منطقه از خوف بروز انقلابی مشابه در قلمروشان شروع به تبلیغ بر ضد آن کردند و آن را انقلابی کمونیستی معرفی کردند که به تحریک شوروی شکل گرفته، و گفته شد هدف بعدی کشورهای عربی منطقه است. در این

دوره، رابطه حکومت کویت با شیعیان تیره شد. آنها برای به دور ماندن از نفوذ انقلاب، بر تنش‌های طائفی دامن زدند تا اکثریت جامعه که سنی بود در مقابل تأثیر انقلاب ایران واکنش نشان دهد. در این زمان هر حرکت انقلابی در جهان عرب به متشیع بودن متهم، و از میدان به در می‌شد.

طبق قانون اساسی ۱۹۶۲، کویت ده حوزه انتخاباتی داشت که از هر حوزه ۵ نماینده انتخاب می‌شد. در ۱۹۷۹ و هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران، حکومت کویت حوزه‌های انتخاباتی را به ۲۵ حوزه با ۲ نماینده از هر کدام تغییر داد. در واقع، این اقدامی بود برای افزایش تأثیر حکومت بر نامزدها و امکان خرید رأی‌های بیشتر. شیعیان معتقد بودند با توجه به نمودار پراکندگی جمعیتی شیعیان در این مناطق، هدف از این تغییر، کاستن از تعداد نمایندگان شیعه در مجلس بود. در نتیجه این تغییر، اکثریت جمعیتی شیعیان در مناطق جدید از بین رفت و آنها که در انتخابات ۱۹۷۵ موفق به کسب ده کرسی شده بودند، در ۱۹۸۱ فقط چهار نماینده به مجلس فرستادند. این طرح در دهه ۲۰۰۰ مجدداً تغییر کرد و حوزه‌های انتخابیه به پنج حوزه تقلیل یافت. برخی تحلیلگران معتقدند اقدام نخست برای کاستن از نمایندگان شیعه به دلیل بیم ارتباط آنها با ایران بود (آقامحمدی، ۱۴۰۰: ۶۴)، همان‌طور که تمایل حکومت به افزایش نمایندگان شیعه در برهه دوم موجب بازگرداندن ساختار قبلی شد. این مطلب هم نمونه دیگری از بهره‌گیری از حضور شیعه در کویت است.

جنگ عراق علیه ایران نیز بر شدت تنش طائفی افزود. کویت به حمایت همه‌جانبه مالی، تدارکاتی و رسانه‌ای از صدام درآمد و رفتارهای ظالمانه‌ای با شیعیان انجام داد و حتی کویتی‌بودنشان محل تردید قرار گرفت (یوسف جمال، ۲۰۰۵: ۱۳-۱۵). هیچ مدرکی دال بر خیانت شیعیان وجود نداشت. با این حال، دولت با آنها مانند تهدید رفتار کرد و آنها را از مناصب مهم دور نگه داشت. از آن زمان، سیاست غیررسمی تبعیض و منزوی کردن شیعه پیگیری شد؛ شیعیان از مسئولیت‌های کلیدی در پلیس و ارتش برکنار شدند و حفاظت امنیتی شدید محله‌های شیعه‌نشین باعث آزار شیعیان شد. از آن زمان به بعد، یکی از مشکلات جدی پیش روی شیعیان در کویت اثبات وفاداری آنها به

کشور بود. این سبب شد شیعیان در کویت نوعی فرهنگ تدافعی و منفعل داشته باشند. این فضا ادامه داشت تا اینکه در ۱۹۹۰ صدام به کویت حمله کرد. در آن ایام بسیاری از اهل سنت کویت در خارج و در تعطیلات بودند و بسیاری هم پس از اشغال، از کشور گریختند. برخی هم به نیروهای اشغالگر صدام ملحق شدند (Gall & Gall, 1999: 339). بنا بر گزارش‌ها، اکثر سلفی‌های کویت به عربستان سعودی گریختند و در آنجا به شبکه‌های سعودی پیوستند. در این میان، شیعیان پیشگام مقاومت بودند و بسیاری از آنها به دست نیروهای عراقی کشته یا زندانی شدند. دفاع جانانه شیعیان از کشور پس از حمله صدام به کویت در ۱۹۹۰ به آشتی شیعیان با حکومت و اهل سنت انجامید و شیعیان در جامعه جایگاه بهتری پیدا کردند. فداکاری شیعیان در دفاع از کویت دو نتیجه داشت؛ یکی اینکه تردیدها درباره وفاداریشان به کشور از بین رفت، و دیگر اینکه وحدت بین شیعه و اهل سنت برقرار شد و تنش‌های طائفی فروکش کرد (Hatem & Gildea, 2011: 24). در اکتبر ۱۹۹۰ شیخ جابر، حاکم کویت، که به جده گریخته بود با اپوزیسیون ملاقات داشت و درخواست اصلاحات بیشتر را پذیرفت (آقامحمدی، ۱۴۰۰: ۹۷). این فرصتی بی‌بدیل برای کنارزدن خاندان حاکم بود. با این حال، گروه‌های اجتماعی کویت خواهان بازگشت خاندان صباح بودند. در مقابل، آنها از امیر انتظار پای‌بندی بیشتر به قانون اساسی و احیای پارلمان را داشتند. حکومت که در مقام ضعف قرار داشت، مجبور به مدارا با گروه‌های مختلف اجتماعی، و ایجاد فضای آزادتر بود. کویت پس از آزادی رویکردی لیبرال‌تر داشت و همین از طرفی به بهبود اوضاع و احوال شیعه در کویت مدد رساند و از طرف دیگر اپوزیسیون را تقویت کرد.

در دهه ۲۰۰۰، دولت تحت فشارهای اجتماعی مجبور به اعطای آزادی‌های مدنی بیشتر شد، اما مطالبات عمومی و فشارهای اجتماعی همچنان ادامه داشت، تا جایی که در نهایت حاکمیت، خط قرمزش را نیز شکست و اجازه استیضاح نخست‌وزیر را صادر کرد. خاندان حاکم در دوره جدید، هم‌پیمانان سنتی‌اش را از دست داده بود و همین اهمیت شیعه را برایش بیشتر می‌کرد، به‌خصوص که در برخی مسائل حساس امکان بهره‌گیری از اختلاف طائفی وجود داشت.



در سال ۲۰۱۱ و در فضای بهار عربی، کویت هم شاهد اعتراض‌های خیابانی بود که معترضان بیشتر خواهان عزل نخست‌وزیر و اصلاح ساختار سیاسی کویت و جلوگیری از نفوذ خاندان حاکم در انتخاب کابینه وزرا و نخست‌وزیر بودند. در چنین فضایی، انتخابات پارلمانی ۲۰۱۲ برگزار شد و اپوزیسیون که اغلب اسلام‌گرایان سنی و بدوها بودند، موفق شدند ۳۵ کرسی از مجموع ۵۰ کرسی را از آن خود کنند. این نتیجه منعکس‌کننده نارضایتی در کشور بود. امیر کویت به بهانه رعایت‌نشدن آیین‌نامه انتخاباتی، این مجلس را منحل، و فراخوان انتخابات جدید را صادر کرد. اپوزیسیون از این اقدام به خشم آمد و انتخابات را تحریم کرد. در این اوضاع و احوال حساس، این شیعیان و برخی خاندان‌های تجار بودند که بار دیگر خاندان حاکم را از بحران بزرگی بیرون بردند و با شرکت در انتخابات موجب شدند مشارکتی ۴۰ درصدی پدید آید (ماتیسن، ۲۰۱۴: ۱۳۸)، که در صورت حاضر‌نشدن شیعیان، حکومت با بن‌بستی واقعی روبه‌رو می‌شد و بعید نبود خاندان حاکم با سرنوشت دیگری مواجه شود. در واقع، این ماجرا از مهم‌ترین تحولات دهه اخیر در کویت است که توجه در خوری به آن نشده است.

در مقایسه، مخالفت اهل سنت با حاکمان صریح‌تر و زیان‌بارتر است، در حالی که فعالیت سیاسی شیعیان به‌راحتی مهار، و به انزوا کشانده می‌شود. به عقیده شیعه، نگرانی اصلی حکومت از ناحیه اسلام‌گرایان و بدوها است، نه شیعیان (Hatem & Gildea, 2011: 23). فولر معتقد بود اگر آزادی‌های سیاسی افزایش یابد احتمالاً عناصر جسور سنی، اعم از لیبرال و اسلام‌گرا، بیش از شیعیان با حکومت مخالفت کنند. در چنین فضایی شیعیان می‌توانند مانند دهه ۱۹۳۰ با ایفای نقش هوادار حکومت از این موقعیت بهره‌مند شوند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۹). تحولات پس از بهار عربی صحت این ادعا را تأیید کرد. تحلیلگر کویتی، شفیق غبرا، معتقد است گرچه کویتی‌ها در تلاش برای تغییر ساختار سیاسی موفق نشدند، با توجه به ویژگی‌های این کشور، تغییر این ساختار اجتناب‌ناپذیر است و تغییر صرفاً مسئله‌ای مربوط به زمان است. مهم‌ترین دلیل این مطلب ساختار نیمه‌دموکراتیک کویت است که بحران‌زا است. در گذشته حکومت با جابه‌جا کردن

ائتلافش در مجلس، امور را در اختیار خود می‌گرفت، اما مهم‌ترین مشکلی که در بهار عربی پیدا شد، شکل‌گیری ائتلاف اپوزیسیون قوی در داخل و خارج مجلس بود (Ghabra, 2014: 7-8). با توجه به اوضاع و احوال موجود، حاکمان کویت بیش از گذشته به حضور شیعه در این کشور نیازمندند.

البته، باید در نظر داشت که با وجود همه تبعیض‌ها و ناملایماتی که شیعیان از زمان شکل‌گیری حرکت‌های قومی عربی در اوایل قرن گذشته تا به امروز در کویت متحمل شده‌اند، هنوز هم شیعیان کویت از کوییتی‌بودنشان مفتخرند. در حالی که این امر درباره شیعه سعودی یا بحرین صادق نیست. کابینه کویت از ۱۹۷۵ دست‌کم یک وزیر شیعه داشته است و در سال‌های بعد به دو وزیر ارتقا یافت (Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor, 2010) تا اینکه مجدداً پس از اعتراضات گسترده اپوزیسیون سلفی ضد شیعه در سال‌های اخیر، نخست‌وزیر جدید فقط یک وزیر شیعه معرفی کرد. باید در نظر داشت که همه تبعیض‌های موجود علیه شیعه الزاماً به خواست خاندان حاکم نیست، چراکه بخش‌های زیرین مدیریتی غالباً در دست طبقه میانی جامعه است که سلفی‌های متعصب در این بخش فراوانند و علی‌رغم سیاست‌های حکومت، ممکن است با شهروندان شیعه رفتار تبعیض‌آمیز داشته باشند. به دلیل همه این مسائل، در پی تحولات سال‌های اخیر، شیعیان به حاکمیت نزدیک‌تر شده و کمتر از گذشته به پیوستن به اپوزیسیون تمایل دارند. شیعیان حتی مایل نیستند خدمات گسترده‌ای را که برای جامعه کویت در زمان اشغال انجام دادند و فداکاری‌های بسیاری را که در آن زمان و بعد از آن کردند، بیان کنند و همین مقدار را هم موجب بروز طائفی‌گری در کویت می‌دانند و معتقدند این کارها را به عنوان کوییتی انجام داده‌اند. برخی از شیعیان هم معتقدند حکومت همواره کوشیده است از جامعه شیعه برای جلوگیری از پیدایش وحدت سیاسی در مقابل خاندان و تعمیق اختلافات میان شیعه و سنی استفاده کند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۰).<sup>۴</sup>

شیعیان با نگاهی واقع‌بینانه بر این نکته واقف‌اند که خاندان حاکم با همه نامهربانی‌هایی که گاه ممکن است در قبال شیعه ابراز کند، در مقایسه با جریان‌های

مذهبی تندروی سلفی، و نیز قبایل متمایل به عربستان که هر روز بر قدرتشان در بدنه دولت افزوده می‌شود، بسیار بهتر است. اگر روزی حکومت آل‌صبحاح ساقط شود، این گروه‌ها بخش اعظم قدرت را در اختیار خواهند گرفت.

نکته مهمی که قبلاً هم به آن اشاره شد این است که نقش تعادل‌بخشی برای قسمتی از جامعه مثل شیعه در جایی وجود دارد که آزادی بیان و افکار عمومی وجود داشته باشد، و الا در کشوری مثل عربستان یا بحرین مسائل را می‌توان با استبداد و فشار حل کرد. کویت جامعه‌ای باز و نسبتاً لیبرال است و اگر حاکمیت بتواند ۳۰ درصد جامعه را از خود راضی نگه دارد به ثبات اجتماعی اش کمک بسیار می‌کند. حکومت با سلفی‌ها و اخوان در نمی‌افتد، چون نهادهای قوی دارند. شیعه گرچه چنین نهادهای قدرتمندی ندارد، افکار عمومی را با خود دارد و همین مطلب مهمی است و باید این افکار عمومی راضی نگاه داشته شوند و همسوی حاکمیت باشند، به خصوص که شیعیان به اعتبار اقلیت و تحت فشار بودن، بسیار سریع و راحت و با حداقل امکانات راضی می‌شوند، مثلاً همین که در نیمه شعبان شیعیان بتوانند جشنی به پا کنند و آذینی بر سردر حسینیه‌شان نصب کنند برایشان مهم است و آنها را قانع می‌کند. از این رو، حکومت می‌کوشد آزادی آنها در این زمینه‌ها حفظ شود.

## نتیجه

مجموع مسائل مربوط به موقعیت جغرافیایی، ثروت و ساختار سیاسی کشور کویت، تهدیدهای خارجی و داخلی اش و ویژگی‌های حاکمان این کشور، کویت را به مثابه دولتی ضعیف قرار می‌دهد که حفظ امنیت و ثبات از دغدغه‌های اصلی حاکمانش است. مجموع این مسائل، امکان رفتار قهرآمیز و مستبدانه با گروه‌های معارض داخلی را کاهش می‌دهد و بر ضرورت ایجاد موازنه و تعادل در روابط بخش‌های مختلف جامعه و حاکمیت می‌افزاید. خاندان آل‌صبحاح به منظور مهار بحران‌ها و تهدیدهای ملی و امنیتی از دستکاری‌های طائفی و شکاف‌های اجتماعی، هویتی و مذهبی برای سلطه سیاسی خود بهره می‌گیرند. خاندان حاکم از شیعیان‌ش به عنوان اهرم حفظ تعادل اجتماعی بهره

می‌گیرد، به این معنا که وقتی گروه‌های مخالف شیعه برای حکومت مشکل‌تراشی کنند، از شیعیان کمک می‌گیرد تا با آنها مقابله کنند و در زمان دیگر، وقتی شیعیان به تهدید داخلی تبدیل شوند، از گروه‌های مخالف شیعه، برای سرکوب یا اسکات شیعیان استفاده می‌کند و آنها را وامی‌دارد که حتی از مطالبات مشروعشان نیز پا پس بکشند. از سوی دیگر، حکومت می‌تواند از حضور شیعه برای فشار آوردن به بخش سنی‌اش بهره‌گیرد و با دادن امتیازاتی به شیعیان به سلفی‌ها و دیگر معارضان جدی خود هشدار دهد که اگر در صدد مزاحمت برای حکومت برآیند به شیعیان آزادی بیشتری اعطا خواهد کرد. بنابراین، نباید شیعیان با بخش سنی جامعه کاملاً متحد و درهم‌تنیده شوند، زیرا در این صورت ممکن است همه با هم علیه حاکمیت یک‌صدا شوند. گرچه حکومت به اتحاد گروه‌های مختلف جامعه مایل نیست، در عین حال می‌کوشد با هر نوع درگیری مذهبی میان شیعیان و اهل سنت مقابله کند و همواره می‌کوشد آنها را در سطحی از تعادل نگاه دارد.

از این‌رو، حاکمیت در عین رعایت فاصله لازمی که حساسیت گروه‌های معارض مانند سلفی‌ها و عربستان را برنینگیزد، باید رابطه محکمی با شیعیان داشته باشد و وفاداری آنها را در مقابل توطئه احتمالی معارضان حفظ کند. اقلیت بودن و در سوءظن بودن شیعه در جهان عرب سبب می‌شود غالباً شیعیان امکان متحدشدن با بخش سنی جامعه بر ضد حاکم را نداشته باشند. اگر هم در برهه خاصی، اوضاع و احوال زمانه، شیعه و سنی را در کنار یکدیگر قرار دهد، مانند دوران اشغال کویت، همیشگی نیست و این رابطه را به راحتی می‌توان مدیریت، و در این میان تفرقه‌افکنی کرد.

وجه دیگر تعادل‌بخشی شیعه به جامعه کویت به رابطه این کشور با ایران و نیز با عراق پس از صدام مربوط است. نکته اینجا است که کویت از عربستان و عراق می‌ترسد و در این میان ایران می‌تواند به ثبات کویت در مقابل آنها کمک کند. در اینجا لازم است برای حفظ حمایت ایران، کویت رابطه متعادلی با شیعیان داشته باشد. رابطه با عراق جدید نیز در ضمن احترام به شیعه بهتر حفظ می‌شود، گرچه عراق موجود، تهدید چندانی برای کویت نیست. حضور شیعیان در کویت می‌تواند به بهبود رابطه این کشور

با ایران کمک کند و در زمان مقتضی، آنها را رابط و واسطه جلب حمایت ایران کند. از طرفی، کویت می‌تواند با اعمال فشار بر شیعیانش، از ایران مطالبه‌گری کند و از سوی دیگر، آنها می‌توانند وسیله اعمال نفوذ ایران در کویت قلمداد، و محکوم شوند. حضور شیعیان به حاکمیت کویت کمک می‌کند که گاه به بهانه حضور آنها از برخی زیاده‌خواهی‌های عربستان نیز شانه خالی کنند. اگر شیعیان در کویت حضور نداشتند، طیف سنی و سلفی کویت می‌توانست زمینه نفوذ گسترده عربستان در کویت را فراهم کند.

آنچه تا حدودی درک این سیاست پنهان را دشوار می‌کند این است که حکومت کویت مایل نیست آشکارا به این نقش شیعه در حفظ بقای خود تصریح کند و اساساً کارایی این سیاست در پنهان نگاه‌داشتن آن است. از سوی دیگر، خود شیعیان نیز صدای رسایی ندارند و با توجه به مجموع مشکلات و تهدیدها و نیازی که به همراهی با حکومت دارند، ترجیح می‌دهند مطالبه‌گرانه به موضوع نگاه نکنند. اگر شیعیان در کویت حضور نداشتند، خاندان حاکم بارها در مواجهه مؤثر با مشکلات جدی در بقای قدرتش ناکام می‌ماند. نکته کلیدی این است که این ویژگی بیش از آنکه مربوط به شیعیان و توانمندی‌های خاص آنها باشد، مرهون ساختار جمعیتی، مالی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، منطقه‌ای و ژئوپلیتیک کویت است. برای درک درست این مطلب باید توجه داشت که منظور این نوشته آن نیست که شیعیان آلت دست حاکمیت‌اند یا اقدامات خاصی انجام می‌دهند که به دلیل آن اقدامات تأثیرگذاری دارند، بلکه نفس حضور شیعه چنین کارایی‌ای دارد. بنابراین، برای درک اهمیت شیعه در کویت، بیش از آنکه اقدامات شیعه مطالعه شود، باید درباره ویژگی‌های کویت مطالعه کرد. به همین دلیل در این مقاله نیز بیشتر کوشیدیم ویژگی‌های کویت را مطرح کنیم، ویژگی‌هایی که در مجموع بیانگر اهمیت حضور شیعیان است. این در حالی است که شیعیان دیگر شیخ‌نشین‌ها چنین کارکردی ندارند. از این رو، برای شناخت اهمیت حضور شیعه در کویت و نقششان در حفظ ثبات این کشور باید این ویژگی‌های مهم و متفاوت کویت با دیگر شیخ‌نشین‌ها درک شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «اما الجغرافیا الحالية للکویت فهی تعتمد علی عوامل رئیسیة عده یمکن اهمها فی کونها تقع بین ثلاث دول کبری فی منطقة الخلیج هی السعودیة والعراق و ایران، حیث لا تشكل الکویت فی مقابل هذه الدول رقما یدکر من حیث الثقل البشري او العمق الجغرافی او الخلفية التاریخية الحضاریة مما یشکل صعوبة بالغة فی خلق حالة توازن طبیعیة بین الکویت من جهة و هذه الدول من جهة اخرى» (یوسف جمال، ۲۰۰۵: ۲۰).
۲. برای مطالعه فرآیند ورود جریان سلفی به مسائل سیاسی در کویت، نک: *الحركات الإسلامية السنیة والشیعیة فی الکویت*. نویسنده در جلد دوم این کتاب که درباره سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۹ است به تفصیل درباره مصادیق این تحولات و موضع‌گیری‌های آنها در مقابل حکومت، به‌خصوص پس از ۲۰۰۳، بحث کرده است (نک: الزمیع، ۲۰۲۱: ۱۷۵-۲۶۴؛ آقامحمدی، ۱۳۹۶).
۳. طبق قانون اساسی کویت، امیر می‌تواند مجلس را منحل، و طی دو ماه انتخابات مجدد برقرار کند (Salem, 2007: 5-6).
۴. مصاحبه شخصی نویسنده مسئول (مرتضی آقامحمدی) با چند تن از دانشگاهیان و فرهیختگان کویتی نیز بر همین مطلب صحه گذاشت.

## منابع

- آقامحمدی، مرتضی (۱۳۹۶). «سیر تطور سلفی‌گری در کویت»، در: سراج منیر، س ۷، ش ۲۸، ص ۱۹-۳۸.
- آقامحمدی، مرتضی (۱۴۰۰). شیعیان کویت، قم: مؤسسه مطالعات راهبردی مرام، چاپ اول.
- ابوحاکمه، احمد مصطفی (۱۹۸۴). تاریخ الكويت الحديث، الكويت: مكتبة ذات السلاسل.
- بدري عيد، محمد (۲۰۱۲ الف). «انتخابات مجلس أمة ۲۰۱۲ و مستقبل الديمقراطية الكويتية»، در: مركز الجزيرة للدراسات، [studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/02/2012213102835186842.html](http://studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/02/2012213102835186842.html)
- بدري عيد، محمد (۲۰۱۲ ب). «التيار السلفي في دولة الكويت: الواقع والمستقبل»، در: مركز الجزيرة للدراسات: [studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/05/201252912302826133.html](http://studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/05/201252912302826133.html)
- البراك، مسلم (۲۰۱۲). «يا سمو الأمير لن نسمح لك»، در: مدونة الزيادة: [www.youtube.com/watch?v=n7nnFUOEmBY](http://www.youtube.com/watch?v=n7nnFUOEmBY)
- چلونگر، محمدعلی؛ بندانی، معصومه (۱۳۹۲). «نقش احزاب و گروه‌های شیعی در تحولات سیاسی کویت»، در: پژوهش‌های سیاسی، ش ۸، ص ۷۰-۱۰۴.
- الحاتم، عبدالله خالد (۱۹۸۰). من هنا بدأت الكويت، كويت: دار القبس.
- خزعل، حسين خلف الشيخ (۱۹۶۲). تاريخ الكويت السياسي، بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- الدمنهوري، رجب (۲۰۰۹). «الحالة السلفية في الكويت.. البدايات والمآلات»، در: وبسایت سعود المولى: [saoudelmawla.blogspot.com/2009/04/blog-post\\_5546.html](http://saoudelmawla.blogspot.com/2009/04/blog-post_5546.html)
- الزميع، على فهد (۲۰۲۱). الحركات الإسلامية السنية والشيعة في الكويت، الكويت: مركز نهوض للدراسات والنشر، ج ۲.
- الزیدی، مفید (۲۰۰۰). التيارات الفكرية في الخليج العربي ۱۹۳۰-۱۹۷۱، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
- فولر، گراهام ای؛ فرانکه، رحيم رند (۱۳۸۴). شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده، ترجمه: خدیجه تبریزی، قم: شیعه‌شناسی، چاپ اول.
- ماتيسن، توبی (۲۰۱۴). الخليج الطائفي والربيع العربي الذي لم يحدث، ترجمه: امين الايوبی، بيروت: الشبكة العربية للابحاث والنشر.
- المديرس، فلاح عبدالله (۱۹۹۹). الحركة الشيعة في الكويت، كويت: دار قرطاس للنشر، الطبعة الاولى.

منتظرالقائم، اصغر؛ بندانی، معصومه (۱۳۹۲). «واکاوی جایگاه شیعیان در تحولات سیاسی کویت»، در: پژوهش در تاریخ، دوره ۴، ش ۱۰، ص ۱۲۷-۱۵۶.

یوسف جمال، عبد المحسن (۲۰۰۵). لمحات من تاریخ الشيعة في الكويت؛ من نشأة الكويت الى الاستقلال، الكويت: دار النبأ للنشر.

Alhabib, Mohammad Ebraheem (2010). *The Shia Migration from Southwestern Iran to Kuwait: Push-Pull Factors during the Late Nineteenth and Early Twentieth Centuries*, Georgia State University, available at: [https://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1040&context=history\\_theses](https://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1040&context=history_theses)

Alshayji, Abdullah Khalifah (1988). *Democratization in Kuwait: The National Assembly as a Strategy for Political Survival*, PhD Dissertation, University of Texas at Austin.

Al-Shehabi, Saad Hesham (2015). *The Evolution of the Role of Merchants in Kuwaiti Politics*, King's College London, University of London.

Behbehani, Bodour (2012). *Surviving the Arab Spring the Gulf Cooperation Council and the Case Study of Kuwait*, London: King's College.

Brown, Nathan J. (2007). "Pushing toward Party Politics? Kuwait's Islamic Constitutional Movement", Middle East Series, *Carnegie Papers*, No. 79.

Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor (2010). "2009 Country Reports on Human Rights Practices: Kuwait", *U.S. Department of State*, available at: [2009-2017.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/2009/nea/136072.htm](https://2009-2017.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/2009/nea/136072.htm)

Crystal, Jill (1989). "Coalitions in Oil Monarchies: Kuwait and Qatar", *Comparative Politics*, No. 21.

Crystal, Jill (1990). *Oil and Politics in the Gulf: Rulers and Merchants in Kuwait and Qatar*, Cambridge: Cambridge University Press.

Ember, Melvin; Ember, Carol R. (2001). *Countries and Their Cultures*, Vol. 2, Macmillan Reference USA.

Gall, Timothy L.; Gall, Susan B. (1999). *World Mark Chronology of the Nations*, the Gale Group.

Ghabra, Shafeeq (1997). "Balancing State and Society: The Islamic Movement in Kuwait", in: *Middle East Policy*, vol. 5, no. 2.

Ghabra, Shafeeq (2014). "Kuwait: At the Crossroads of Change or Political Stagnation", in: *Middle East Institute, Policy Papers Series*, No. 2, Available at: [mei.edu/content/article/kuwait-crossroads-change-or-political-stagnation](http://mei.edu/content/article/kuwait-crossroads-change-or-political-stagnation)



- Hatem, Robert; Gildea, Derek (2011). *Kuwaiti Shia: Government Politics, Societal Cleavages, and the non-factor of Iran*, The Institute for Middle East Studies, The George Washington University.
- Herb, Michael (2016). “The Origines of Kuwait’s National Assembly”, LSE Kuwait Programme Paper Series, no. 39, available at: [http://eprints.lse.ac.uk/65693/1/39\\_MichaelHerb.pdf](http://eprints.lse.ac.uk/65693/1/39_MichaelHerb.pdf)
- Katzman, Kennet (2014). “Kuwait: Security, Reform and U. S. Policy”, in: *CRS Report for Congress*, Available at: [fpc.state.gov/documents/organization/225878.pdf](http://fpc.state.gov/documents/organization/225878.pdf).
- Pollock, David (2015). “New Kuwaiti Survey Reveals Sectarian Divide, Concerns About Iran”, in: *The Washington Institute*, available at: [washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-kuwaiti-survey-reveals-sectarian-divide-concerns-about-iran](http://washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-kuwaiti-survey-reveals-sectarian-divide-concerns-about-iran)
- Salem, Paul (2007). *Kuwait: Politics in a Participatory Emirate, Carnegie Endowment for International Peace*, available at: [files.ethz.ch/isn/157954/CMEC\\_3\\_salem\\_kuwait\\_final1.pdf](http://files.ethz.ch/isn/157954/CMEC_3_salem_kuwait_final1.pdf)
- Terrill, Andrew (2007). *Kuwait International Security and the U.S –Kuwaiti Strategic Relationship after Saddam*, available at: [StrategicStudiesInstitute.army.mil/](http://StrategicStudiesInstitute.army.mil/)
- Tétreault, Mary Ann; al-Ghanim, Mohammed (2009). “The Day After Victory: Kuwait’s 2009 Election and the Contentious Present”, in: *Middle East Research and Information Project*, available at: [merip.org/2009/07/the-day-after-victory-kuwait-2009-election-and-the-contentious-present/](http://merip.org/2009/07/the-day-after-victory-kuwait-2009-election-and-the-contentious-present/)
- Tétreault, Mary Ann; Okruhlik, Gwenn; Kapiszewski, Andrzej (2011). *Political Change in the Arab Gulf States: Stuck in Transition*, Boulder: Lynne Rienner Publishers.
- The Constitution of the State of Kuwait, Available at: [constituteproject.org/constitution/Kuwait\\_1992.pdf?lang=en](http://constituteproject.org/constitution/Kuwait_1992.pdf?lang=en)
- Yom, Sean L. (2011). “Oil, Coalitions, and Regime Durability: The Origins and Persistence of Popular Rentierism in Kuwait”, in: *Studies in Comparative International Development*, 46 (2), pp. 217–241, DOI: 10.1007/s12116-011-9087-y.

## References

- Abu Hakemeh, Ahmad Mostafa. 1984. *Tarikh al-Kuwait al-Hadith (The Modern History of Kuwait)*, Kuwait: Zat al-Salasel Library. [in Arabic]
- Agha Mohammadi, Morteza. 1980. *Shiayan Kuwait (Kuwaiti Shiites)*, Qom: Maram Institute for Strategic Studies, First Edition. [in Farsi]
- Agha Mohammadi, Morteza. 2017. "Seyr Tatawwor Salafigari dar Kuwait (The Evolution of Salafism in Kuwait)", in: *Seraj Monir*, yr. 7, no. 28, pp. 19-38. [in Farsi]
- Al-Barak, Moslem. 2012. "Ya Somow al-Amir lan Nasmah Lak (O, Your Highness, We Will not Allow You)", in: Al-Zayadi's Blog: [www.youtube.com/watch?v=n7nnFUOEmBY](http://www.youtube.com/watch?v=n7nnFUOEmBY)
- Al-Damanhuri, Rajab. 2009. "Al-Halat al-Salafiyah fi al-Kuwait... al-Bedayat wa al-Maalat (The Salafist Status in Kuwait: Beginnings and Endings)", in: Saud al-Mawla's Website: [saoudelmawla.blogspot.com/2009/04/blog-post\\_5546.html](http://saoudelmawla.blogspot.com/2009/04/blog-post_5546.html)
- Alhabib, Mohammad Ebraheem. 2010. *The Shia Migration from Southwestern Iran to Kuwait: Push-Pull Factors during the Late Nineteenth and Early Twentieth Centuries*, Georgia State University, available at: [https://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1040&context=history\\_theses](https://scholarworks.gsu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1040&context=history_theses)
- Al-Hatam, Abdollah Khaled. 1980. *Men Hona Badaat al-Kuwait (From Here Kuwait Began)*, Kuwait: Al-Ghabas Institute. [in Arabic]
- Al-Modayres, Falah Abdollah. 1999. *Al-Harkah al-Shiah fi al-Kuwait (The Shiite Movement in Kuwait)*, Kuwait: Ghortas Publishing House, First Edition. [in Arabic]
- Alshayeji, Abdullah Khalifah. 1988. *Democratization in Kuwait: The National Assembly as a Strategy for Political Survival*, PhD Dissertation, University of Texas at Austin.
- Al-Shehabi, Saad Hesham. 2015. *The Evolution of the Role of Merchants in Kuwaiti Politics*, King's College London, University of London.
- Al-Zami, Ali Fahd. 2021. *Al-Harakat al-Islamiyah al-Sonniyah wa al-Shi'iyah fi al-Kuwait (Sunni and Shiite Islamic Movements in Kuwait)*, Kuwait: Rise Center for Studies and Publishing, vol. 2. [in Arabic]

- Al-Zaydi, Mofid. 2000. *Al-Tayarat al-Fekriyah fi al-Khalij al-Arabi 1930-1971 (Intellectual Currents in the Arab Gulf 1930-1971)*, Beirut: Center for Arab Unity Studies. [in Arabic]
- Badri Eyd, Mohammad. 2012 a. "Entekhabat Majles Ommah 2012 wa Mostaghbal al-Dimeghratiyah al-Kuwaitiyah (2012 Parliamentary Elections and the Future of the Kuwaiti Democratic Republic)", in: *Al-Jazeera Center for Studies*, studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/02/2012213102835186842.html
- Badri Eyd, Mohammad. 2012 b. "Al-Tayar al-Salafi fi Dawlat al-Kuwait: Al-Waghe wa al-Mostaghbal (The Salafist Current in the State of Kuwait: the Present and the Future)", in: *Al-Jazeera Center for Studies*, studies.aljazeera.net/ar/reports/2012/05/201252912302826133.html
- Behbehani, Bodour. 2012. *Surviving the Arab Spring the Gulf Cooperation Council and the Case Study of Kuwait*, London: King's College.
- Brown, Nathan J. 2007. "Pushing toward Party Politics? Kuwait's Islamic Constitutional Movement", Middle East Series, *Carnegie Papers*, no. 79.
- Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor. 2010. "2009 Country Reports on Human Rights Practices: Kuwait", *U.S. Department of State*, available at: 2009-2017.state.gov/j/drl/rls/hrrpt/2009/nea/136072.htm
- Chelungar, Mohammad Ali; Bondani, Masumeh. 2013. "Naghsh Ahzab wa Goruhay Shi'i dar Tahawwolot Siyasi Kuwait (The Role of Shiite Parties and Groups in the Political Developments in Kuwait)", in: *Political Research*, no. 8, pp. 70-104. [in Farsi]
- Crystal, Jill. 1989. "Coalitions in Oil Monarchies: Kuwait and Qatar", *Comparative Politics*, no. 21.
- Crystal, Jill. 1990. *Oil and Politics in the Gulf: Rulers and Merchants in Kuwait and Qatar*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ember, Melvin; Ember, Carol R. 2001. *Countries and Their Cultures*, vol. 2, Macmillan Reference USA.
- Fuller, Graham E.; Francke, Rahim Rend. 2005. *Shiayan Arab: Mosalmanan Faramush Shodeh (Arab Shia: The Forgotten Muslims)*, Translated by Khadijeh Tabrizi, Qom: Shia Studies, First Edition. [in Farsi]
- Gall, Timothy L.; Gall, Susan B. 1999. *World Mark Chronology of the Nations*, the Gale Group.

- Ghabra, Shafeeq. 1997. "Balancing State and Society: The Islamic Movement in Kuwait", in: *Middle East Policy*, vol. 5, no. 2.
- Ghabra, Shafeeq. 2014. "Kuwait: At the Crossroads of Change or Political Stagnation, in: *Middle East Institute, Policy Papers Series*, no. 2, available at: [mei.edu/content/article/kuwait-crossroads-change-or-political-stagnation](http://mei.edu/content/article/kuwait-crossroads-change-or-political-stagnation)
- Hatem, Robert; Gildea, Derek. 2011. *Kuwaiti Shia: Government Politics, Societal Cleavages, and the non-factor of Iran*, The Institute for Middle East Studies, The George Washington University.
- Herb, Michael. 2016. "The Origins of Kuwait's National Assembly", LSE Kuwait Programme Paper Series, no. 39, available at: [http://eprints.lse.ac.uk/65693/1/39\\_MichaelHerb.pdf](http://eprints.lse.ac.uk/65693/1/39_MichaelHerb.pdf)
- Katzman, Kennet. 2014. "Kuwait: Security, Reform and U. S. Policy", in: *CRS Report for Congress*, available at: [fpc.state.gov/documents/organization/225878.pdf](http://fpc.state.gov/documents/organization/225878.pdf).
- Khazal, Hosayn Khalaf al-Sheikh. 1962. *Tarikh al-Kuwait al-Siyasi (Kuwait's Political History)*, Beirut: Al-Helal Institute. [in Arabic]
- Mathison, Toby. 2014. *Al-Khalij al-Taefi wa al-Rabi' al-Arabi Allazi lam Yahdoth (The Gulf of Ta'ifi and Arabiya Which Did not Occur)*, Translated by Amin al-Ayyubi, Beirut: The Arab Network for Research and Publishing. [in Arabic]
- Montaze al-Ghaem, Asghar; Bondani, Masumeh. 2013. "Wakawi Jaygah Shiayan dar Tahawwolot Siyasi Kuwait (Analysis of the Position of Shiites in the Political Developments in Kuwait)", in: *Research in History*, yr 4, no. 10, pp. 127-156. [in Farsi]
- Pollock, David. 2015. "New Kuwaiti Survey Reveals Sectarian Divide, Concerns about Iran", in: *The Washington Institute*, available at: [washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-kuwaiti-survey-reveals-sectarian-divide-concerns-about-iran](http://washingtoninstitute.org/policy-analysis/new-kuwaiti-survey-reveals-sectarian-divide-concerns-about-iran)
- Salem, Paul. 2007. *Kuwait: Politics in a Participatory Emirate, Carnegie Endowment for International Peace*, available at: [files.ethz.ch/isn/157954/CMEC\\_3\\_salem\\_kuwait\\_final1.pdf](http://files.ethz.ch/isn/157954/CMEC_3_salem_kuwait_final1.pdf)
- Terrill, Andrew. 2007. *Kuwait International Security and the U.S –Kuwaiti Strategic Relationship after Saddam*, available at: [StrategicStudiesInstitute.army.mil/](http://StrategicStudiesInstitute.army.mil/)
- Tétreault, Mary Ann; al-Ghanim, Mohammed. 2009. "The Day After Victory: Kuwait's 2009 Election and the Contentious Present", in: *Middle East Research and Information Project*, available at: [merip.org/2009/07/the-day-after-victory-kuwaits-2009-election-and-the-contentious-present/](http://merip.org/2009/07/the-day-after-victory-kuwaits-2009-election-and-the-contentious-present/)

Tétreault, Mary Ann; Okruhlik, Gwenn; Kapiszewski, Andrzej. 2011. *Political Change in the Arab Gulf States: Stuck in Transition*, Boulder: Lynne Rienner Publishers.

The Constitution of the State of Kuwait, Available at: [constituteproject.org/constitution/Kuwait\\_1992.pdf?lang=en](http://constituteproject.org/constitution/Kuwait_1992.pdf?lang=en)

Yom, Sean L. 2011. "Oil, Coalitions, and Regime Durability: The Origins and Persistence of Popular Rentierism in Kuwait", in: *Studies in Comparative International Development*, 46 (2), pp. 217–241, DOI: 10.1007/s12116-011-9087-y.

Yusof Jamal, Abd al-Mohsen. 2005. *Lamahat men Tarikh al-Shiah fi al-Kuwait: Men Nashat al-Kuwait ela al-Esteghlal (Lights from the History of Shiites in Kuwait: From the Formation of Kuwait to Its Independence)*, Kuwait: Al-Naba Publishing House. [in Arabic]

